

مطالعات زنان

مجموعه مطالعات زنان - ۲

نشر و پژوهش شیرازه



سلامی، غلامرضا ۱۳۴۴ -

نهضت نسوان شرق / به کوشش غلامرضا سلامی ۱۳۴۴: افسانه
نجم آبادی. ۱۳۲۵. - تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۴.

۴۰۲ ص. - (مجموعه مطالعات زنان؛ ۲)

ISBN 964-7768-33-8: ۴۸۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عمده کتاب بر اساس مطالبی که درباره «کنگره نسوان شرق (دومین: ۱۳۱۱: تهران)» در «روزنامه ایران، آبان و آذر ۱۳۱۱» چاپ شده است، گردآوری و تنظیم شده است.

۱. زنان - کنگره‌ها. ۲. زنان - وضع حقوقی و قوانین - کنگره‌ها. ۳. فمینیسم - کنگره‌ها. ۴. کنگره نسوان شرق (دومین: ۱۳۱۱: تهران).

الف. سلامی، غلامرضا، ۱۳۴۴ - ب. کنگره نسوان شرق (دومین: ۱۳۱۱: تهران).

۳۰۵/۴۲

HQ۱۱۰۶/ ۳ ۹

۸۳-۵۷۴۷

کتابخانه ملی ایران



نهضت نسوان شرق

به کوشش: غلامرضا سلامی و افسانه نجم آبادی

طراح جلد: حمیدخانی

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: امکان

چاپ جلد: آبی

چاپ اول: ۱۳۸۴

تعداد: ۱۰۰۰

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۵/۱۱۳۸

تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

شابک ۹۶۴-۷۷۶۸-۳۳-۸ ISBN 964-7768-33-8

نهضت نسوان شرق

به کوشش غلامرضا سلامی و افسانه نجم آبادی

فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه	نه
دیباچه	سیزده

نهضت نسوان شرق - تشکیل کنگره زنان شرق در ایران

نمایندگان تازه وارد - مرام و مقصد کنگره (۱۳ آبان ۱۳۱۱)	۱
کنگره نسوان - نطق‌های راجع به تشکیل کنگره و مرام آن (۱۷ آبان ۱۳۱۱) ...	۴
کنگره نسوان (۱۸ آبان ۱۳۱۱)	۶
کنگره نسوان (۱۹ آبان ۱۳۱۱)	۶
کنگره نسوان شرق (۲۰ آبان ۱۳۱۱)	۷
کنگره نسوان شرق (۲۲ آبان ۱۳۱۱)	۱۲
کنگره نسوان شرق (۲۲ آبان ۱۳۱۱)	۴۱
نمایندگان نسوان شرق در مدرسه متوسطه ناموس (۲۶ آبان ۱۳۱۱)	۵۰
دومین کنگره عمومی نسوان شرق (۶ آذر ۱۳۱۱)	۵۲
کنگره نسوان شرق (۸ آذر ۱۳۱۱)	۵۶
کنگره نسوان شرق (۹ آذر ۱۳۱۱)	۸۷
کنگره نسوان شرق - جلسه چهارم کنگره (۱۰ آذر ۱۳۱۱)	۱۰۰
آخرین جلسه کنگره (۱۱ آذر ۱۳۱۱)	۱۱۳
کنگره نسوان شرق - جلسه چهارم کنگره (۹ آذر ۱۳۱۱)	۱۱۴
کنگره نسوان شرق آخرین جلسه کنگره (۱۳ آذر ۱۳۱۱)	۱۲۷

کنگره نسوان شرق بقیه جلسه پنجم کنگره (۱۴ آذر ۱۳۱۱).....	۱۵۱
کنگره نسوان شرق بقیه آخرین جلسه کنگره (۱۵ آذر ۱۳۱۱).....	۱۶۹
کنگره نسوان شرق در اداره پیشاهنگی ایران (۱۶ آذر ۱۳۱۱).....	۱۸۱
کنگره نسوان شرق در اولین کودکستان ایرانی (۱۷ آذر ۱۳۱۱).....	۱۸۹
کنگره نسوان در مدرسه دخترانه امریکایی (۱۸ آذر ۱۳۱۱).....	۱۹۹
کنگره نسوان شرق در جمعیت نسوان ترقیخواه (۲۰ آذر ۱۳۱۱).....	۲۱۴
کنگره نسوان شرق در مدرسه ناموس (۲۷ آذر ۱۳۱۱).....	۲۲۱
کنگره نسوان شرق - بقیه از شماره قبل (۲۸ آذر ۱۳۱۱).....	۲۲۶

پیوست ها.....	۲۳۲
---------------	-----

پیوست ۱. کنگره زنانه در تهران (چهارنما، ۱ ربیع الاول ۱۳۵۱).....	۲۳۳
پیوست ۲. شرح مصاحبه با رئیس کنگره زنان شرق	

(اطلاعات، ۱۲ آبان ۱۳۱۱).....	۲۳۳
------------------------------	-----

پیوست ۳. اوقات ملاقات نمایندگان کنگره نسوان شرق

(اطلاعات، ۱۴ آبان ۱۳۱۱).....	۲۴۲
------------------------------	-----

پیوست ۴. جمعیت نسوان وطنخواه ایران (اطلاعات، ۱۶ آبان ۱۳۱۱).....	۲۴۲
---	-----

پیوست ۵. در جلسه دیشب بانوان (اطلاعات، ۱۷ آبان ۱۳۱۱).....	۲۴۷
---	-----

پیوست ۶. کنفرانس زنان شرق (اطلاعات، ۱۹ آبان ۱۳۱۱).....	۲۵۶
--	-----

پیوست ۷. از مقالات وارده: مرام کنگره زنان شرق

(اطلاعات، ۲۲ آبان ۱۳۱۱).....	۲۵۸
------------------------------	-----

پیوست ۸. محترمه کنگره نسوان شرق (اطلاعات، ۲۹ آبان ۱۳۱۱).....	۲۶۳
--	-----

پیوست ۹. افتتاح کنگره زنان شرق (شفق سرخ، ۳ آذر ۱۳۱۱).....	۲۶۳
---	-----

پیوست ۱۰. روز افتتاح کنگره زنان (اطلاعات، ۵ آذر ۱۳۱۱).....	۲۶۳
--	-----

پیوست ۱۱. در آخرین جلسه کنگره نسوان (اطلاعات، ۱۵ آذر ۱۳۱۱).....	۲۶۴
---	-----

پیوست ۱۲. از مقالات وارده: راه علاج (اطلاعات، ۲۰ آذر ۱۳۱۱).....	۲۶۵
---	-----

پیوست ۱۳. از مقالات وارده: راه علاج (اطلاعات، ۲۱ آذر ۱۳۱۱).....	۲۷۰
---	-----

پیوست ۱۴. (چهره‌نما، ۲۰ شوال ۱۳۵۱).....	۲۷۵
پیوست ۱۵. مجمع اتحادیهٔ نسوان آسیا در هندوستان	
(عالم نسوان، آبان ۱۳۰۹).....	۲۷۶
پیوست ۱۶. کنگرهٔ نسوان شرق (سالنامه پارس، ۱۳۱۲).....	۲۷۷
پیوست ۱۷. مرام و مقصد کنگرهٔ نسوان شرق	
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی).....	۲۸۱
پیوست ۱۸. مجمع کشف حجاب (اطلاعات، ۸ خرداد ۱۳۰۶).....	۲۸۶
پیوست ۱۹. اندکی از تاریخچهٔ کشف حجاب در ایران (بانو، دی ۱۳۲۳).....	۲۸۶
پیوست ۲۰. چرا و چگونه «فمی‌نیست» شدیم؟ (مسائل ایران، دورهٔ دوم).....	۲۹۶
پیوست ۲۱. قانون راجع به ازدواج.....	۳۰۱
پیوست ۲۲. قانون لزوم ارائهٔ گواهی‌نامهٔ پزشک قبل از وقوع ازدواج.....	۳۰۶
پیوست ۲۳. حقوق معلمین در سال ۱۳۱۲.....	۳۰۷
پیوست ۲۴. خانهٔ امید (عالم نسوان، آبان ۱۳۰۷).....	۳۰۹
پیوست ۲۵. چه کسی به یاد خانم مدیر است؟	
(زن روز، ۲۹ شهریور ۱۳۴۸).....	۳۱۳
پیوست ۲۶. (معرفی‌نامهٔ صدیقه دولت‌آبادی).....	۳۲۹
پیوست ۲۷. (نامه جمعیت نسوان وطنخواه به صدیقه دولت‌آبادی).....	۳۳۰
پیوست ۲۸. کنگرهٔ آتی بین‌المللی زنان (لوژورنال، ۶ فوریه ۱۹۳۵).....	۳۳۱
پیوست ۲۹. (نامهٔ سفارت ایران در پاریس، ۲۳ بهمن ۱۳۱۳).....	۳۳۲
پیوست ۳۰. (نامهٔ وزارت امور خارجه، ۱۲ اسفند ۱۳۱۳).....	۳۳۳
پیوست ۳۱. (نامهٔ وزارت معارف، ۲۰ اسفند ۱۳۱۳).....	۳۳۴
پیوست ۳۲. (ترجمه و خلاصه نامه نورحماده، ۲۳ بهمن ۱۳۱۳).....	۳۳۴
پیوست ۳۳. (نامهٔ وزارت امور خارجه، ۶ اسفند ۱۳۱۳).....	۳۳۶
پیوست ۳۴. (نامهٔ ابروالفضل حاذقی، ۱۰ اسفند ۱۳۱۳).....	۳۳۶
پیوست ۳۵. (نامهٔ وزارت معارف، ۱۴ اسفند ۱۳۱۳).....	۳۳۷
پیوست ۳۶. (نامهٔ وزارت امور خارجه، ۲۰ اسفند ۱۳۱۳).....	۳۳۸

- پیوست ۳۷. (یادداشت وزارت معارف، بدون تاریخ)..... ۳۳۹
- پیوست ۳۸. کنگره بین‌المللی فمینیست (لو تان، ۲۱ آوریل ۱۹۳۵)..... ۳۳۹
- پیوست ۳۹. (نامه وزارت امور خارجه، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۱۴)..... ۳۴۰
- پیوست ۴۰. کنگره زنان شرق در استانبول و نماینده ایران
- (چهره‌نما، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۵۴)..... ۳۴۱
- پیوست ۴۱. نورحماده در تهران (مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات) ... ۳۴۱
- پیوست ۴۲. کنگره عمومی نسوان در ترکیه برای اولین دفعه در تاریخ
- اجتماعی زن‌های شرق با زن‌های غرب (ایران، ۱۱ فروردین ۱۳۱۴).... ۳۴۴
- پیوست ۴۳. کنگره بین‌المللی زنان تقاضای کنگره از دول، مسأله
- تابعیت زنان و شناسایی حقوق آنها (اطلاعات، ۲ اردیبهشت ۱۳۱۴) .. ۳۴۵
- پیوست ۴۴. نماینده زنان ایران در کنگره بین‌المللی نسوان در
- اسلامبول (اطلاعات، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۴)..... ۳۴۵
- پیوست ۴۵. کنگره بین‌المللی نسوان، خلاصه جلسات کنگره
- (اطلاعات، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۴)..... ۳۴۹
- پیوست ۴۶. (نامه وزارت داخله به حکومت همدان، ۲۴ مهر ۱۳۱۱)..... ۳۵۵
- پیوست ۴۷. (نامه حکومت همدان به وزارت داخله، ۵ آبان ۱۳۱۱)..... ۳۵۵
- پیوست ۴۸. (نامه وزارت داخله به حکومت همدان، ۱۰ آبان ۱۳۱۱)..... ۳۵۷
- پیوست ۴۹. (نامه حکومت همدان به وزارت داخله، ۸ آذر ۱۳۱۱)..... ۳۵۸
- پیوست ۵۰. در انجمن ادبی ایران (اطلاعات، ۵ اسفند ۱۳۱۴)..... ۳۵۹
- کتابنامه..... ۳۶۱
- تصاویر..... ۳۶۵
- نامنامه..... ۳۸۲

یادداشت دبیر مجموعه

هفتاد و دو سال پیش دومین کنگره عالی نسوان شرق با حضور نماینده زنان کشورهای ترکیه، سوریه، لبنان، یونان، مصر، تونس، هندوستان، افغانستان، جاوه، عراق، حجاز، چین، ژاپن، استرالیا و زنگبار با هدف «تبلیغ برای تساوی زن و مرد» در ایران برگزار شد. با اینکه در مقدمه این کنگره مقرر شده بود که حاصل مباحث و جلسات و سخنرانی‌های کنگره در کتابی گردآوری و به زبان‌های عربی، فارسی و فرانسه چاپ و در سایر مراکز و سازمان‌های دیگر کشورها نشر گردد، اما از مباحث این کنگره تنها گزیده‌هایی از گزارش روزنامه ایران، در مجله مطالعات اسلامی^۱ به زبان فرانسه ترجمه شد. در واقع، این هدف که در زمان خود به وقوع نپیوست، اکنون در کتاب حاضر محقق شد تا سهمی را در حفظ و مطالعه این حرکت مهم تاریخی داشته باشد.

کنگره اول نسوان شرق در سال ۱۹۳۰ در دمشق برگزار شد و هدف آن گذشته از اتحاد کامل زنان از فرهنگ، نژاد و مذهب مختلف، نظارت بر شرایط زنان در جوامع کشورهای شرقی بود. چنانچه متولیان آن بر این بودند که کنگره نسوان شرقی «حق دارد که از همه ممالک شرقی و از هر مملکتی که لازم دید اصلاحاتی که به نظرشان می‌رسد تقاضا کند.» (ص ۹۹)

کنگره دوم در ادامه مصوباتی تشکیل می‌شد که حاصل اش مطالباتی بود برخاسته از نیازهای آن زمان زنان کشورهای شرق و تأکید آن بر برابری زن و مرد در آموزش و اشتغال و دستمزد و نیز کسب بسیاری از حقوقی تضییق شده و در

واقع آخرین کنگرهٔ نسوان شرق بود، چرا که علیرغم تشکیل کنگرهٔ سوم نسوان شرق در استامبول و دعوت از نمایندهٔ ایران، این کنگره همزمان با برگزاری کنگرهٔ دیگر با حضور نمایندگان کشورهای غربی و اروپایی، فراتر از ملل شرق به کنگرهٔ بین‌المللی تبدیل گردید.

در آن زمان، زنان ایران حرکتی را آغاز کرده بودند که در طول تاریخ زندگی فردی و اجتماعی خود بی‌سابقه و در عین حال برای زنان برخی از کشورهای شرقی نیز نمونه محسوب می‌شد. بنابر گفتهٔ مستوره افشار نایب رئیس کنگره اگرچه دیروز وضعیت زنان ایران «... بسی رقت‌انگیز و ترحم‌آور بود. زن ایرانی حق حرف زدن در کوچه و خیابان با مردان فامیل خود نداشت... زن ایرانی مجبور بود در خانه به پدر و شوهر و برادرانش اطاعت کند و در کوچه و خیابان نیز مطیع همه مردهای بیگانه بشود. در خیابان‌ها اندرون [و] بیرون ترتیب داده از طرفی که زن راه می‌رفت مرد حق عبور نداشت. و در بعضی از خیابان‌ها از ساعت معین زن حق عبور نداشت. زن ایرانی حق نداشت که از حقوق زنان دفاع نماید چنان که [وقتی] مدیرهٔ محترمهٔ مجلهٔ جهان زنان خانم فخر آفاق پارسا از حقوق زنان دفاع کرد دو سال محکوم به تبعید شد». (ص ۶۵) اما از دید ایشان دیگر شرایط به کلی تغییر کرده بود و حتی دستاوردی که این کنگره برای خواهران مشرق زمین داشت «قانون ازدواج [بود] که دو سال پیش از طرف وزیر محترم عدلیه در ایران وضع شده و فواید آن در زندگی زنان مُسَلِّم بی‌اندازه مؤثر و مُسَلِّم است کوشش و اقدامات جدی برای وضع قانون مزبور که در اکثر ممالک اسلامی موجود نیست، نمایند». (ص ۶۸)



شکل‌گیری نهضت نسوان شرق در آن سال‌ها با جنبشی که امروز به عنوان نمونه در کشورهای جهان عرب آغاز شده متفاوت است. همان‌گونه که با مطالعهٔ کتاب حاضر درمی‌یابیم که نهضت با خاستگاه‌های مردمی و به‌طور خودجوش پدید آمد، حال آنکه در جوامع قدرتمدار کشورهای عرب امروز شاهد پیدایش جنبش‌های حکومتی هستیم. آنچه امروز در کشورهایی مانند مصر، اردن، قطر و بسیاری دیگر از کشورهای عرب مشاهده می‌شود ظهور جنبش‌های اجتماعی

زنانی است که با هدایت همسران رهبر و جوانی که جایگزین پدران سنتی‌شان شده‌اند، گام به عرصه عمومی گذاشته که با جلوه‌ای از حرکت اصلاح‌گرایانه در پی دستیابی به مشروعیتی جدید هستند. یکی از افراد بارز در این جنبش سوزان مبارک - همسر رئیس‌جمهور مصر حسنی مبارک - یکی از عوامل اصلی تشکیل «کنفرانس زنان عرب» و اولین رئیس آن نیز بوده است.

با مقایسه مباحث و مطالبات و نیز مواد مرامنامه کنگره، می‌توان مشاهده کرد که معضلات زنان در هفتاد سال پیش با آنچه جامعه امروز زنان با آن روبروست چندان تفاوتی ایجاد نشده بلکه شاید برخی مشکلات دیروز، به عنوان یک واقعیت عادی در زمره امور جاری امروز به حساب می‌آیند.

تلاش زنان پیشقراول در این کشورها از همان آغاز، مطالبه حقوق پایمال شده و جایگاه واقعی و انسانی زن در چارچوب حفظ فرهنگ، آیین و مذهب‌شان و نیز با نگاهی به دستاوردهای مطلوب زنان غرب بشمار می‌آمد. سیاست‌های حکومت ایران در آن روزها در حصول این آرمان‌ها از کشورهای همسایه پیشی داشت. گذشته از حضور نمادین نمایندگان ایرانی در مجامع بین‌الملل که برای دولتمردان آن روزگار اهمیت خاصی داشت در عین حال می‌توان شاهد همسویی افراد و مراکز دولتی با حرکت‌های آرمانی و برابری خواهانه زنان بود که امکان ارزیابی آن در مطالعه حاضر ارائه شده است.

زیبا جلالی نائینی

دیباچه

به دنبال آشنایی مردم مشرق زمین با فرهنگ و تمدن غرب، افکار و گرایش‌های تجددطلبانه به کشورهای شرقی راه یافت. یکی از نتایج این امر، گسترش بحث آموزش زنان، ارتقای حقوق مدنی آنان و در نهایت ورود هرچه بیشتر آنان در مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود. زنان متأثر از اندیشه تجددطلبی و برابری خواهی، برای دستیابی به اهداف خود، همگام با تأسیس مدارس دخترانه و انتشار روزنامه، انجمن‌ها و مجامعی را بنیان نهادند و به برگزاری کنگره‌هایی مبادرت ورزیدند که «کنگره نسوان شرق»^۱ یکی از ثمرات آن بود.

کنگره اول نسوان شرق در سال ۱۹۳۰ در دمشق برگزار شد.^۲ تشکیل این کنگره در ابتدا نتیجه ائتلاف و ادغام جمعیت‌های محلی‌ای بود که در بعضی از سرزمین‌های عربی فعالیت داشتند و در مراحل بعد، جمعیت‌هایی نیز از هند و... به آنان پیوستند. در کنگره اول، قدسیه اشرف با معرفی ژنرال کنسول ایران به نمایندگی از ایران شرکت کرد. بنا به اظهار نورحماده که ریاست کنگره را به عهده داشت: قدسیه اشرف «خیلی خوب و بلیغ حرف زد و آنقدر اعضای کنگره از بیانات عالی و مهیج ایشان مسرور و ممنون شدند که مقرر داشتند کنگره دوم در طهران تشکیل شود. خصوصاً برای اینکه ایران نزدیکترین بلاد به ممالک عربی است...» (ص ۳۲). نورحماده همچنین در مصاحبه با خبرنگار روزنامه اطلاعات در بیان علت تشکیل کنگره دوم در تهران اظهار داشت: «علت اینکه ما انعقاد

۱. المجلس الاعلى لاتحاد النسائي الشرقي العام.

۲. برای مطالعه مصوبات کنگره اول بنگرید به: صص ۲۳۸، ۲۳۹.

دومین جلسات کنگره را در طهران تصویب نموده ایم، این بود که ملاحظه شد مملکت شاهنشاهی ایران نسبت به سایر ممالک امتیاز خاصی از حیث استقلال تام و تمام دارد و هیچگونه نفوذ خارجی در آن وجود ندارد» (ص ۲۴۰).

هرچند برای برگزاری کنگره دوم در تهران با مقامات ایران «توافق نظر حاصل شده» بود (ص ۲۴۰) و بر اساس این «توافق نظر» نمایندگان زنان کشورهای عضو از اوایل آبان ۱۳۱۱ به تهران وارد شدند ولی در ششم آذرماه بود که اولین جلسه آن به طور رسمی در «مدرسه ملی عفتیه» گشایش یافت (ص ۵۶). طی این مدت اخبار جراید از معلوم نبودن تاریخ و محل افتتاح آن حکایت داشت (صص ۹، ۲۴۸ و ۲۵۱). اگرچه این تأخیر می تواند بیانگر ناهماهنگی در نظام اداری و اجرایی دولت باشد، شیخ الملک اورنگ^۱ در توجیه تأخیر پیش آمده مدعی شد: «... از همان روز اول که وارد شدند مقدمات تشکیل این کنگره از هر جهت فراهم بود، اما علت عقب افتادن آن تا به امروز فقط یک منظور مقدس و عالی بود... تمام افراد مملکت که خانم های حاضر در این مجلس هم جزء آنها هستند، انتظار و میل داشتند که کنگره در روز مبعث حضرت محمد بن عبدالله (ص) تشکیل شود. یعنی این کنگره که از همه زن های مشرقی تشکیل می شود و بلکه ارتباط با زنان عالم دارد، در روزی تأسیس شود که محمد رسول الله (ص) در همان روز مبعوث شده است برای آوردن قوانین و شرایعی که برای همه افراد بشر مفید است...» (صص ۵۶، ۵۷)^۲.

۱. عبدالحسین اورنگ ملقب به معین الاسلام و شیخ الملک (۱۲۶۷ ت - ۱۳۴۴ و): نماینده مجلس شورای ملی در دوره های ۷: ۸، ۹: ۱۰، ۱۱: ۱۲، ۱۳: ۱۵، ۱۶: ۱۷، ۱۸: ۱۹. زبان عربی را بخوبی می دانست. چندین هزار شعر در خاطر داشت و در مجالس و محافل به مناسبت موضوع شعری می خواند و حاضران را تحت تأثیر قرار می داد. در سفرهای رضاشاه جزء معدود همراهان او بود. درباره چگونگی انتخاب وی در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای ملی به پیوست های ۴۶ - ۴۹ مراجعه شود. همچنین درباره انتخاب او به نمایندگی دوره پانزدهم مجلس بنگرید به اتحاد، ج ۶: صص ۱۰۶۵-۱۰۶۷. فرهنگ فهرمانی: ص ۴۳۱. سلامی: اسنادی از انتخابات...: صص ۲۵۰-۲۵۵.

۲. نورحماده در روز اختتام کنگره: پس از یادآوری مناسبت روز افتتاح، متذکر شد: «امروز

حضور اورنگ در کنگره در ظاهر برای ترجمه سخنرانی‌های ایراد شده از زبان عربی به فارسی و بالعکس بود، اما به نظر می‌رسد که در واقع به عنوان نماینده یا سخنگوی دولت ایران در کنگره حضور داشت تا ضمن تبلیغ و دفاع از اقدامات انجام گرفته از سوی دولت در زمینهٔ بهبود شرایط زنان، به تعدیل مطالب ارائه شده در کنگره بپردازد. از اینرو در موارد متعددی به اظهار نظر دربارهٔ مباحث مطرح شده در سخنرانی‌ها پرداخت. برای نمونه در همان روزهای آغازین ورود نمایندگان کنگره به ایران، با مطرح شدن مسأله کشف حجاب به مخالفت پرداخت (ص ۳۹). او در روزهای اول مدعی شد که از سوی «انجمن ادبی ایران» مأموریت دارد تا «اگر خانم‌ها از من خواستار شدند که بیانات خانم‌های نمایندگان را ترجمه کنم، استنکاف نورزم» (ص ۳۶). در روز آغاز به کار کنگره نیز وظیفهٔ «افتتاح رسمی» آن به وی محول شد (ص ۵۳).

به دنبال اظهارنظرهای اورنگ، نورحماده رئیس کنگره و عده‌ای دیگر به وی اعتراض کردند. نورحماده در مخالفت با اظهارات او گفت: «شما مرد و نمایندهٔ مردها هستید. ما حرف شما را قبول نداریم.» و نوبهٔ صفوی افزود: «شما اصلاً حق ندارید در مذاکرات خانم‌ها دخالت کنید. این کنگره‌ای است مخصوص خانم‌ها». این بار اورنگ مدعی شد که از سوی جمعیت نسوان وطنخواه مأموریت دارد. این ادعا مورد تأیید مستورهٔ افشار قرار گرفت که ریاست جمعیت مذکور را به عهده داشت. نورحماده در اعتراض به این تأیید اظهار داشت: «جمعیت نسوان می‌تواند در هر خصوص به مردها وکالت بدهد اما در کارهای مخصوص زن‌ها حق ندارد» (صص ۱۱۵، ۱۱۶). مخالفت نورحماده با اظهارنظرهای اورنگ و به زیر سؤال بردن حضور او در کنگره، بعدها هم تکرار

→

یعنی آخرین جلسهٔ کنگره ما مصادف است با یک روز درخشان تاریخی یعنی عید مبارک مولود سیدناالحسین (ع)، همان پیشوای عالم انسانیت که جان‌نثاری و فداکاری او در راه حق و حقیقت و دیانت و حریت و طهارت و قانون تا ابدالابد فراموش نخواهد شد و همیشه بزرگترین سرمشق برای بشر خواهد بود. این دو تصادف بزرگ ثابت کرد که زن فرشته‌ای از فرشتگان آسمان است» (صص ۱۷۸، ۱۷۹).

شد (صص ۱۲۶، ۱۲۷) و اورنگ نیز تا آنجا پیش رفت که یک بار گفت: «من با هر ۲۱ مادهٔ مقررات کنگرهٔ اول مخالفم...» (ص ۱۲۶). و در جلسهٔ پنجم کنگره اظهار داشت: «وقتی که خانم نورحماده وارد شدند، من مواد مرامنامه و مقررات کنگرهٔ اول [را] دیدم و اکنون می‌خواهم جداً و واقعاً وارد آن مواد بشوم و پنبهٔ آن را بزنم» (ص ۱۵۲). سپس در سخنرانی مفصلی به زعم خود به (پنبه‌زنی) مواد کنگره پرداخت (صص ۱۵۲-۱۶۲). جالب اینکه در همین سخنرانی اذعان داشت که نه حق دخالت در «مذاکرات و مقررات خانم‌ها» را داشته است و نه از سوی آنها به وی اشاره‌ای برای اظهارنظر شده بود (ص ۱۵۴).

چنانکه اشاره شد، اورنگ با طرح شدن مسألهٔ کشف حجاب در کنگره مخالف بود و مخالفت خود را در چندین نوبت عنوان کرد (صص ۳۹، ۴۸، ۴۹ و ۲۵۱).^۱ در همان اوان ورود نمایندگان کنگره به ایران، در جلسه‌ای که در منزل مستوره افشار برگزار شد، نورحماده اعلام کرد: «مسألهٔ حجاب مستقلاً موضوع بحث ما نخواهد بود و زن با حجاب هم می‌تواند فاضله و با تربیت بشود و در این زمینه توضیحاتی» داد. در همین جلسه، شجره نیز در تأیید این امر گوشزد کرد: «نباید به مسائلی که تربیت باید آن را حل کند از قبیل حجاب و غیره» پرداخته شود. در جلسات بعدی نیز مخالفت با کشف حجاب بارها مورد تأکید سخنرانان (و از جمله اورنگ) قرار گرفت (صص ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۵۴). همچنین در مقاله‌ای که با عنوان «راه علاج» در روزهای ۲۰ و ۲۱ آذر ۱۳۱۱ در روزنامه اطلاعات منتشر شد، نویسنده ضمن اشاره به برگزاری کنگره نسوان شرق در تهران و به زیر سؤال بردن اهداف آن، از اینکه «بارها در خطابه‌های نیمه رسمی و در الواح و جراید و از دهان اغلب از خوانین و آقایان...» شنیده است که «زنان جامعه ما باید این کفن سیاه را از خود دور» سازند، اظهار

۱. برای آشنایی بیشتر با روحیه و منش اورنگ و برخورد دو گانهٔ او با بحث کشف حجاب، مراجعه به گزارش روزنامه اطلاعات از نشست «انجمن ادبی ایران» در سوم اسفند ۱۳۱۴ طی آن اورنگ به بیان «محسنات برداشتن چادر» پرداخت، مفید به نظر می‌رسد (بنگرید به پیوست ۵۰).

تأسف کرد و با کشف حجاب به مخالفت پرداخت (بنگرید به پیوست‌های ۱۲ و ۱۳).

با نگاهی به دلایل ارائه شده از سوی مخالفان کشف حجاب در کنگره در می‌یابیم که استدلال آنها، عدم ضرورت کشف حجاب و آماده نبودن جامعه برای پذیرش آن بوده است. هیچ یک از مخالفان، دلایل شرعی و فقهی برای مخالفت خود ارائه ندادند. در عین حال آنها «راه علاج» مشکلات زنان را، گسترش تعلیم و تربیت دختران و زنان می‌دانستند که می‌بایست با همگانی شدن «تعلیم و تربیت» و توسعه مدارس در سطح کشور به انجام می‌رسید. عده‌ای از مخالفان یاد شده نیز مقوله کشف حجاب را تقلیدی کورکورانه از تمدن «غرب» و «اروپا» می‌دانستند و از آن به عنوان سرآغاز بی‌بندوباری‌های بعدی یاد می‌کردند.

در بررسی محتوایی سخنرانی‌های ایراد شده از سوی زنان، سخنرانی ایران ارانی که فضایی شبه کمونیستی دارد، جالب توجه به نظر می‌رسد (صص ۱۳۹-۱۴۲). او معتقد است که زنان «برای حفظ منافع طبقاتی خود می‌کوشند» (ص ۱۳۹). در ادامه نیز تأکید می‌کند: «زن آزادی طبقاتی می‌خواهد» و در توضیح تفاوت نهضت زنان با «سایر نزاع‌های طبقاتی» می‌افزاید: «در این جا بر خلاف سایر موارد، غرض نسوان معدوم کردن یک طبقه دیگر و به دست گرفتن حاکمیت اجتماعی نیست» بلکه مردان نیز در این مبارزه دوشادوش زنان هستند. «اما چیزی که هست چون نسوان بیشتر از این قسمت متمتع می‌شوند، علم نهضت به دست آنهاست و گرنه مرد نیز در این قسمت شریک است» (صص ۱۴۱، ۱۴۲).

سخنرانی فاطمه انصاری (منشی جمعیت نسوان وطنخواه ایران) از معدود سخنرانی‌های کنگره بود که در آن هدف از ارتقای حقوق زنان به طور مشخص بیان شده است. وی پس از ذکر دلایل خود در لزوم ارتقای سطح «تربیت» دختران و زنان، نتیجه گرفت: «...نقصی که زن در این مرحله دارد باید مرتفع شود و حقوق حق طبیعی او به وی مسترد گردد. یعنی در هریک از امور مدنی، اقتصادی، اجتماعی [و] سیاسی، زن به سهم خود حق شرکت داشته باشد و

لااقل یک زن فهمیده و با سواد بتواند به اندازه یک مرد بیسواد و بی دانش از آزادی و حقوق خود کامیاب گردد».

انصاری برای نیل به این اهداف، پنج راه حل پیشنهاد کرد که عبارت بودند از:

۱. اصلاح پروگرام فعلی معارف،

۲. تساری تعلیم و تربیت دختران و پسران در کلیه مدارس عالیّه،

۳. تأسیس مدارس اکابر در طهران و ولایات برای تعلیم علوم زندگی، حفظ الصحه فامیلی و تربیت اطفال،

۴. تشکیل باغچه‌های اطفال یا کودکانستان مطابق طریقه مادام مونت سوری ایتالیایی برای تربیت اولیه کودکان،

۵. روانه داشتن عده‌ای از دختران به خارجه برای کسب اصول لازمه تربیت و تعلیم» (ص ۹۰).

او در ادامه برای بیان اهمیت این «پنج شرط»، آنها را به انگشتان دست تشبیه نمود و تأکید کرد: «تا موقعی که این پنج شرط عملی نشده است، وضع اجتماع ما حکم همان دست بی انگشت را دارد و شمر شمری نیست» (ص ۹۰).

در این میان عقیده نورحماده در باره شرایط اعطای حق رأی به زنان نیز قابل توجه است. او پس از تشبیه مراحل کسب حقوق زنان به نردبان، نتیجه می‌گیرد که زنان غربی از آخرین پله این نردبان صعود کرده‌اند «زیرا حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و اشتغال به همه وظایف را دریافت کرده‌اند». در ادامه با اشاره به زنان ترکیه و ژاپن، اظهار امیدواری کرد که آنها نیز بزودی به پله آخر صعود خواهند کرد. پس از بیان اینکه از نظر جغرافیایی، این دو کشور در دو سوی ممالک شرقی واقع شده‌اند، افزود: «اگر ممالک شرق را رشته زنجیری فرض کنیم، یک سر آن ترکیه است و یک سر آن ژاپن... اگر دو سر زنجیر یعنی ترکیه و ژاپن حرکت کند ما هم حرکت می‌کنیم». سپس نتیجه گرفت: «پس لزومی ندارد که هم امروز خانم‌ها حقوق عالیّه را بطلبند و حق انتخاب بخواهند. چرا؟ زیرا زن حق ندارد وارد انتخاب شود مگر اینکه عالم و دانشمند و مملو از فضایل اخلاقی و آگاه به امور سیاست باشد. حتی اگر در بین زنان ملتی از این قبیل خانم‌های راقی و فاضل پیدا شوند ولی اقلیت داشتند، باز نباید به زن حق

انتخاب کردن و انتخاب شدن داده شود»^۱ (صص ۱۰۸، ۱۰۹).

او در ادامه سخنان خود، تنها پنج گروه از زنان را شایسته داشتن «حق انتخاب» دانست. این پنج گروه عبارت بودند از:

۱. خانم‌های پیر و مُسن که وظایف عائلی خود را انجام داده‌اند،
۲. خانم‌هایی که اطفال خود را بزرگ کرده و تقدیم جامعه داشته‌اند،
۳. خانم‌هایی که بیوه شده و اطفالشان هم بزرگ شده‌اند،
۴. خانم‌هایی که اصلاً شوهر نکرده‌اند و مُسن و کامل شده‌اند،
۵. خانم‌هایی که برای خانه خود یک اداره کامل و مرتب از حیث خدمتکار و پرستار تهیه کرده، بچه کوچک و رضیع هم نداشته باشند و مُسَلَّم بدانند که در اداره خانه و خدمت شوهر قصوری نمی‌شود» (ص ۱۰۹).

نورحماده پس از بیان این تقسیم‌بندی از زنان واجد شرایط، تأکید کرد: «به غیر از این پنج طبقه، خانم‌های دیگر به هیچ وجه حق ورود در اجتماع و طلبیدن حقوق و دخالت در امور وظایف خارج از خانه ندارند و إلا چیزی نخواهد گذشت که اساس عائله و خانواده که بزرگترین و مهمترین رُکن اجتماع است، از هم خواهد پاشید» (ص ۱۰۹).

سخنرانان ایرانی در مجموع ضمن تقدیر و ارج نهادن نسبت به اقدامات و اصلاحات انجام شده در زمینه مسائل و مصائب زنان در دوره رضاشاه، به انتقادهایی جزئی در حوزه حقوق زنان پرداختند و در یک جمع‌بندی کلی، تحولات اجتماعی - اقتصادی ایران عصر پهلوی را به مثابه الگویی برای کشورهای شرقی ارزیابی کردند.

یکی از پرسش‌هایی که جا دارد در باره این کنگره مطرح شود، هدف دولت ایران از پذیرش برگزاری آن در تهران است. اگر اسناد راجع به کنگره‌های مشابه را ملاک قضاوت قرار دهیم، شاید تا حدودی بتوانیم به این پرسش پاسخ دهیم.

مکاتبات وزارت امور خارجه درباره «کنگره بین‌المللی نسوان» که قرار بود در فروردین ۱۳۱۴/ آوریل ۱۹۳۵ در ترکیه برگزار شود، نشانگر آن است که هدف

۱. گویی از نظر نورحماده، اکثریت مردان که «حق انتخاب» داشتند، «عالیم و دانشمند و مملو از فضایل اخلاقی و آگاه به امور سیاست» بوده‌اند!

دولت ایران از اعزام نماینده، صرفاً حضور تبلیغاتی بوده است. از نظر شارژدافر^۱ ایران در پاریس، اگرچه کنگره قبلی بین‌المللی نسوان که در پاریس تشکیل شده بود «اهمیت زیادی نداشت»، ولی به نظر او شرکت نمایندگانی از زنان ایران در کنگره بعدی که قرار بود در اسلامبول برگزار شود، «بی‌فایده» نبود «زیرا با این جریان که هنوز جسته جسته شاید در اذهان بعضی‌ها در خارجه باشد که زن در ایران اسیر است و مثل برده با آنها رفتار می‌کنند، وجود نمایندگان نسوان ایرانی در این مجمع و چند کلمه اظهارات متناسب و معقول آنها در کنگره و اعلام اینکه در طهران مجمع مخصوصی از نسوان هست، مفید خواهد بود. بعلاوه در مرکزی که از همه دول ذکری می‌شود، به نظر فدوی لازم است اسم ایران هم برده شود. ممالکی که شرکت دارند بیرق ملی آنها بالای سر هیأت مدیره نصب می‌شود و اسم آن مملکت چندین دفعه برده خواهد شد. مخصوصاً در این موقع که اسم «پرس» عوض شده، «ایران» گفته می‌شود، البته وجود نمایندگان نسوان ایران در کنگره و نطق آنها یک معرفی و پروپاگاندا خوبی از مملکت بوده، با اثر و مفید خواهد بود» (پیوست ۲۹). سرانجام در این کنگره، فرخنده جورابچی از سوی دولت به نمایندگی از زنان ایران حضور یافت و در ستایش از پیشرفت زنان ایرانی در عصر پهلوی به ایراد سخنرانی پرداخت (پیوست ۴۴).

در جریان برگزاری کنگره در چندین نوبت اعلام شد: «پس از ختم کنگره، عملیات از روز ورود نمایندگان به ایران تا آخرین روز کنگره در کتاب بزرگی به سه زبان فارسی و عربی و فرانسه طبع خواهد شد و حاوی تمام کنفرانس‌ها و نطق‌ها و خطابات و اقدامات کنگره خواهد بود. این کتاب در تمام ممالک منتشر خواهد گردید» (ص ۵۵). نورحماده در یکی از جلسات اظهار داشت، این کتاب «برای جمعیت‌های نسوان عالم و جامعه، ملل و ادارات جراید مجاناً فرستاده خواهد شد و برای سایرین قیمت آن جلدی یک تومان خواهد بود که باید طالبین قبلاً اسم خود را به ثبت برسانند که بعد از انتشار برای آنها ارسال شود» (ص ۲۲۰). همچنین بنگرید به ص ۲۴۱.

1. Clargé a Ahaur

نیتِ برگزارکنندگان در چاپ «کتاب کنگره» به قدری جدی می‌نمود که در مادهٔ ۲۲ «مرام و مقصد کنگره نسوان شرق» نیز به آن اشاره شد: «هرگاه مملکتی که کنگره در آن منعقد گشته به طبع کتابی که خلاصه کنفرانس‌ها در آن جمع است مبادرت ننماید، کمیته شورای عالی در طبع و نشر آن اقدام خواهد کرد. این کتاب به سه زبان به طبع خواهد رسید: اول به زبان عربی، دوم به زبان مملکتی که انعقاد کنگره در آن شده، سوم به زبان فرانسه که تقریباً بین‌المللی محسوب است» (بنگرید به پیوست ۱۷).

با این حال در تلاش برای یافتن کتاب‌های وعده داده شده، هیچ کتاب مستقلی به زبان‌های فارسی، عربی و فرانسه به دست نیامد. تنها گزارشی که در این زمینه یافت شد، در شمارهٔ ۷ مجله «مطالعات اسلامی» بود که در سال ۱۹۳۳ به زبان فرانسه منتشر شده است. در این شمارهٔ مجله در صفحات ۴۵ تا ۱۴۱ گزارش کنگره نسوان شرق در تهران چاپ شده که به نظر می‌رسد آن هم برگرفته و چکیدهٔ گزارش‌های روزنامه ایران باشد که گردآورنده و ویراستار آن هانری ماسه بوده است.^۱

در میان مطبوعات، روزنامه‌های ایران و آینده ایران کاملترین گزارش‌ها را از برگزاری کنگره منتشر نمودند. گزارش‌های این روزنامه‌ها شباهت‌های زیادی به هم دارند. بیشترین گزارش‌های فراهم آمده در این مجموعه به روزنامه ایران اختصاص دارد. روزنامه اطلاعات نیز گزارش‌هایی مختصرتر به چاپ رساند. از میان گزارش‌های روزنامهٔ اخیر، آنهایی را که با گزارش‌های روزنامه ایران تفاوت داشت، در بخش پیوست‌ها آورده‌ایم تا تصویری کامل‌تر از کنگره ارائه شود.

سعی شد تا آنجا که مقدور بود، مطالب مرتبط با مباحث طرح شده در کنگره را یافته و در بخش پیوست‌ها بیاوریم. از اینرو این بخش حجم زیادی را به خود اختصاص داد. تعداد دیگری از مطالب پیوست نیز در پیوند با کنگره زنان

۱. مشخصات گزارش یاد شده چنین است:

Revue des Etudes Islamiques (VII, 1 (1933): pp. 45-141.) Le Deuxième Congrès Musulman Général des femmes d'Orient, à Téhéran (Novembre - Décembre 1932).

کشورهای آسیایی (هند - ۱۳۰۹) و کنگره بین‌المللی زنان (ترکیه - ۱۳۱۴) فراهم آمده است.

در این مجموعه، مطالب روزنامه‌ها را بدون کم و کاست آورده‌ایم. تنها در مواردی چند، برای روان‌تر شدن مطلب، کلماتی در داخل [] افزوده‌ایم. در بعضی جاها که اشتباه چاپی در متن روزنامه‌ها راه یافته بود، آنها را تصحیح کرده، اصل آن را در پاورقی آورده‌ایم.

لازم به توضیح است که ضبط اسامی افراد غیر ایرانی در روزنامه‌ها، در موارد متعددی به شکل‌های مختلف انجام گرفته است. از آنجا که به ثبت انگلیسی و فرانسه این‌گونه اسامی دسترسی نداشتیم، ناچار به آوردن شکل‌های مختلف آنها اکتفا شد.

سپاس و ستایش:

خواهر عزیزم، افسانه (زهره) سلامی، برای تنظیم و تصحیح بخش پیوست‌ها و فهرست اعلام زحمت بسیار کشید. محبت آقایان مهندس حسن فقیه عبداللہی و ناصر (کاظم) شهبازی در یافتن منابع مورد نیاز، مددکار همیشگی ما بود. آقای دکتر سید محمدحسین منظورالاجداد زحمت ترجمه متن نامه نورحماده به مهدیقلی هدایت را از عربی (پیوست ۴۱) و آقای کامروز خسروی ترجمه اخبار روزنامه‌های فرانسوی (پیوست‌های ۲۸ و ۳۸) را از سر مهر به انجام رساندند. تهیه مطالب روزنامه‌های چهره‌نما، شفق سرخ، شماره‌هایی از روزنامه اطلاعات (پیوست‌های ۱، ۹، ۱۴، ۴۰، ۴۳ - ۴۵) و یکی از شماره‌های روزنامه ایران (پیوست ۴۲) را مدیون محبت آقای محمدحسین خسروپناه هستیم که با تلاش و دقت فراوان مطالب یاد شده را تهیه و برای چاپ در اختیارمان قرار دادند. سپاسگزار محبت‌های بی‌دریغ این عزیزان هستیم.

غلامرضا سلامی

۲۰ شهریور ۱۳۸۳